۲

نگارش : روح‌اله خالقی
رئیس هنرستان موسیقی ملی

ذوالاربع ـ برای تحقیق درموضوع گامهای موسیقی هند بایدبمدارك مختلف مراجعه کـرد از قبیل ادبیـات قدیم ، روایاتی راجع بآواز های سامان (Saman) (۱) همچنین قواعدگامهای گراما (Grama)و کیفیت راگاهای‌مختلف که در زمانهای کهنه ونودر موسیقی بکار میرود . اصولا گام های مردم آریـائی برذوالاربع (Tetrachord یا فاصلهٔ چهارم) قرار داردکه در هند چاتوسوارا (Chatuhsvara) گفته میشود چنانکه درموسیقی ایران نیز همین‌اساس درکتب قدیم موردبحث بوده است . این فاصلهٔ ذوالاربع در موسیقی هند باشکال مختلف پیدا میشود مانند :

دو ـ ر ـ می ـ فا
دو ـ ربمل ـ می ـ فا
دو ـ ربمل ـ می‌بمل ـ فا وغیره

علت اینکه ذوالاربع یافاصلهٔ چهام درموسیقی ملل‌قدیم مبناقرار گرفته‌اینست که گوش‌آدمی برای اینکه ازصدائی بصدای دیگر برود دو عمل انجام میدهد : یا بطرف بالا میرود یاسمت بپائین . یعنی یابزیر میرود ویابه بم وهمواره در تجسس اولین فاصلهٔ مطبوع (Consonant) است . درمیان اصوات، برای‌یافتن‌مطبوع باید فاصلهٔ سوم، چهارم، پنجم وهنگام (Octave) را انتخاب کرد . برای انتخاب یکی ازفواصل، غریزهٔ انسانی یکی ازدوفاصلهٔ سوم وچهارم‌را انتخاب میکند زیرا پنجم وهنگام دورتراست ودرمیان‌دو فاصلهٔ سوم وچهارم‌بسیاری ازملل، فاصلهٔ‌چهارم را انتخاب کرده‌اندکه مطبوعتـر است . بنابرین فاصلهٔ چهارم حدنهائی صدائیست که ازآن بطرف بالا یاپائین رفته‌ایم . برای رسیدن بفاصلهٔ چهارم از فواصل دوم

---

۱ ـ آوازهای قدیمی ساماودا (Sama Veda)

(پرده یا نیم‌پرده) عبور میکنیم ولی درموسیقی هند فاصله‌های بینی، ممکن‌است‌از نیم‌پرده هم کوچکتر باشد .

اکنون بذکر اصطلاحاتی که برای فواصل بکارمیرود میپردازیم :

درموسیقی هند اولین‌نت مبدءرا وادی (Vadi) و صدای دیگری که باآن فاصلهٔ مطبوع تشکیل میدهد سام‌وادی (Samvadi) نام‌دارد. کوچکترین‌فاصلهٔ بین دوصدا ، سروتی (Sruti) گفته میشود. اگر بین دوصدا دو سروتی باشد وی‌وادی (Vivadi) نامیده میشود که نامطبوع است. اگر بین دوصدا نه‌سروتی باشدفاصلهٔ چهارم واگر ۱۳ سروتی باشد فاصلهٔ پنجم است که این‌دو مطبوع نامیده میشود . بقیه فاصله‌هارا «انووادی» (Anuvadi) گویند که درحقیقت فاصلهٔ دوم‌نیم‌بزرك- دوم بزرك- سوم نیم‌بزرك و کوچك وبزرك است. (۱)

سروتی یا کوچکترین فاصله که جزئی از نیم پرده است در موسیقی هند مورداستعمال دارد ولی لازم نیست که حتماً نصف نیم‌پرده (ربع‌پرده) باشد . این فاصله‌های کوچك که دراصطلاح امروز ربع‌پرده گفته میشود (هرچند ممکن‌است‌ربع کامل نباشد) درموسیقی قدیم یونان وحتی موسیقی امروز ایران وعرب نیز بکار میرود. اصولا بسیاری ازنکاتی که درموسیقی یونان قدیم‌هست در موسیقی هند نیز موجود است وچون ازموسیقی یونان قدیم اطلاعات بیشتری دردسترس است‌میتوان بااستفادهٔ ازآن بسیاری از نکات مبهم موسیقی هندرا هم دریافت .

دریونان قدیم هنگام‌را به ۲۴ فاصلهٔ کوچك تقسیم میکردند درصورتیکه در موسیقی هند ۲۲ فاصلهٔ کوچك درگام بکار میرود . یکی ازموسیقی دانهای جنوب هند بنام Rao Sahib Abraham Panditar که مطالعهٔ دقیق درموسیقی قدیم دراویدین‌ها کرده معتقد است که موسیقی قرن‌دوم وسوم میلادی هند طبق‌اصول کتاب های تامیل از ۲۴ فاصلهٔ مساوی تشکیل میشود ولی مطابق تجسسات بیشتری که بعمل آمده است ویکی‌ازکتابهای لغت تامیل شاهدآنست‌گام موسیقی هند در قرون سوم وچهارم میلادی دارای ۲۲ فاصله بوده وهریك ازاین فاصله های‌کوچك که چنانکه گفتیم سروتی نام دارد چیزی‌است تقریباً درمیان نیم‌پرده. ضمناً باید متوجه بود که هرگز بیش‌از دوسروتی متوالی بکار نمیرود ولی شایدکسانی باشندکه بتوانند تمام ۲۲ سروتی‌را دریك فاصلهٔ هنگام بخوانندکه درین‌صورت بایدگفت این موسیقی‌ نیست ولی ازلحاظ آکوستیك اهمیت دارد .

پس‌ازین توضیحات بایدگفت که فاصلهٔ ذوالاربع از عده‌ای ازین سروتی‌ها تشکیل میشود ولی‌تمام۹ سروتی‌رایی‌درپی نمیخوانند بلکه فقط چهارتای‌آنرا بکار میبرند وازبقیه صرف‌نظرمیکنند وطبیعی‌است که بااین ترتیب میتوان انواع‌سروتی های مختلف در یك فاصلهٔ چهارم بکار بردکه موجب تنوع و ایجاد انواع مختلف ذوالاربع خواهد شد .

---

(۱) فاصلهٔ نیم‌بزرك آنست که ازنیم‌پرده بزرگتر وازپرده کوچکتر است که ما دراصطلاح موسیقی ایرانی بکار میبریم .

موضوع دیگر قابل توجه اینکه آوازهای ساماوداکه درحدود دو الاربع بوده ازبالا به پائین خوانده میشده همان‌چیزی‌که در موسیقی قدیم یونان هم سابقه دارد وروش پائین رونده بودن بعضی گامهای ایران‌را نیز بخاطر میآورد.

شاید مدتها موسیقی هند ازفاصلهٔ چهارم تجاوز نمیکرده چنانکه موسیقی تمام ملل، اول درهمین‌حدود است واین تازمانیست که هنوزموسیقی‌سازی بوجودنیامده است زیرا شك نیست‌که موسیقی آوازی برسازی مقدم است. بعدها پس‌ازپیدایش آلات موسیقی، بتدریج فاصله‌های بزرگترهم پیدا میشود وبتدریج نت‌های‌هفتگانه گام بوجود میآید.

گام ـ اولین نمونهٔ گام هند ازکتاب تیواکارام (Tivakaram) که مربوط بحدود قرن سوم میلادیست بنام ساپتاکا (Saptaka) (۱) بدست میآید ودرین‌جا گام دارای ۲۲ ماتراس (Matras) میباشد (۲) واین ۲۲سروتی باین‌ترتیب بین نت‌های هفت‌گانه‌گام تقسیم شده است.

	Sa	Ri	Ga	Ma	Pa	Dha	Ni	
	٤	٤	٣	٢	٤	٣	٢	جمع = ۲۲
	Do	Ré	Mi	Fa	Sol	La	Si	

یعنی بین «دو» و«ر» چهارسروتی ومیان «ر» و «می» چهارسروتی و بین سایر نت‌ها بترتیبی که درفوق ذکرشده فاصله‌های‌کوچك وجود داشته که جمع آنها چنانکه ملاحظه مینمائید همان‌عدد ۲۲ میباشد.

درین‌جا چنانکه می بینید بین دو و فا (چهارم) یازده سروتی ومیان دو و سل (پنجم) ۱۳سروتی وجود دارد. فاصله های دوم از ۲ یا۳ یا٤ سروتی تشکیل میشودکه میتوان بترتیب آنهارا نیم‌پرده (۲سروتی) ـ پردهٔ صغیر (۳سروتی) ـ وپردهٔ معمولی (٤سروتی) نامید.

ناتیاساسترا (Natya Sastra) درحدودقرن‌سوم میلادی‌تشخیص‌دقیق‌تری‌از فواصل‌گام میدهدکه آنهارا دریکی ازکتابهای انگلیسی راجع بموسیقی هند بترتیب زیر نشان‌داده وهرفاصله‌را بااعدادی‌که خیلی دقیق‌است نشان داده‌است‌که ازلحاظ متخصصین صوت شناسی قابل مطالعه است:

هنگام	=	۲۲ سروتی	۱۲۰۰ صدم
پنجم	=	۱۳ »	۷۰۲ »
چهارم	=	۹ »	٤۹۸ »
پردهٔ‌بزرك	=	٤ »	۲۰٤ »
پردهٔ صغیر	=	۳ »	۱۸۲ »
نیم پرده	=	۲ »	۱۱۲ »

(۱) ساپتاکا هفت نوت‌گام است.

(۲) ماتراس فواصل‌کوچك نظیر سروتی میباشد.

اکنون مقایسه دیگری ازدو نوع گام تامیل (Tamil) وبهاراتا (Bharata) مینماید و آنهارا باگام ۲٤ جزئی یونان قدیم تطبیق مینماید تاموضوع، بهترقابل حل شود :

	Sa	Ri	Ga	Ma	Pa	Dha	Ni
تامیل (۲۲ سروتی)	٤	٤	۳	۲	٤	۳	۲
بهاراتا (۲۲ سروتی)	٤	۳	۲	٤	٤	۳	۲
گام یونان (۲٤ قسمت)	٤	٤	۲	٤	٤	٤	۲
	Do	Ré	Mi	Fa	Sol	La	Si

اسم نت‌هارا که امروز هم درهند معمولست سابقاً گفتیم . حالا باید دید این نامها ازکجاآمده است : درتوضیح مطلب گوئیم هریك ازنت‌های گام درسانسکریت نامی دارد وکلمات سا-ری-گا- و غیره سیلاب اول آن نامهاست چنانکه در زیر ملاحظه مینمائید :

۱ – Shadja	=	Sa
۲ – Rishabha	=	Ri
۳ – Gandhara	=	Ga (۱)
٤ – Madyama	=	Ma (۲)
٥ – Panchama	=	Pa (۳)
٦ – Dhaivata	=	Dha
۷ – Nishadha	=	Ni

درمیتولوژی هند هریك ازنت‌های گام صدای حیوانیست باین ترتیب :

۱ ـ صدای طاووسی که درمنتهای وجدو نشاط باشد .

۲ ـ صدای ماده گاوی که گوساله‌اش را میخواند .

۳ ـ صدای بز

٤ ـ فریاد ماهی‌خوار (حواصیل) ـ این صدا را معرف طبیعت نیز میگویند که مظاهرآن صدای آبشار ، غرش حیوانات درجنگل و همهمهٔ مردم در شهر های بزرگست .

---

(۱) علت نامیده شدن نت سوم باین‌نام ممکن است ازین جهت باشدکه گام گاندهارا (قندهار) ازین نت شروع میشده است. یکی از راگاهای کنونی هند نیز بهمین نامست وبعضی ازمورخین معتقدندکه قندهار یکی‌ازمراکز تمدنی بوده‌است که آنرا باید تمدن یونان وهند نامید .

(۲) مادیانا معنی وسط میدهد و شاید در ایام قدیم نت مرکزی گام بوده است .

(۳) پانچاما معنی پنجم میدهد .

۵ ـ نوای بلبل هندی که کوکیلا (Kokila) گفته میشود .
۶ ـ شیهه اسب .
۷ ـ صدای فیل .
ضمناً متذکر میشود که نت اخیر مبدء شروع درگام سامان بوده است و باین جهت فیل را ساماجا Samaja یعنی متولد درسامان گفته اند .

راگا ـ درموسیقی هند مبنای لحن (ملودی) را «راگا» گویند . درحقیقت راگا جانشین «گام» درموسیقی غربی است . بعبارت دیگرراگا عبارتست از تسلسلی از یك رشته صداهای مختلف درحدود یك‌هنگام که اساس تمام نغمات والحان موسیقی هندرا تشکیل میدهد وطرز توالی نت‌های ثابت راگا موجب ایجاد انواع مختلف آن میشود .

مطابق قاعدهٔ قدیم هرراگا دارای سه نت مهم است :
۱ ـ گراها (Graha) یا نت شروع که آنرا چنانکه قبلا اشاره شد «وادی» هم میگویند .
۲ ـ امسا (Amsa) یا برجسته ترین نت که در حقیقت باید آنرا روح راگا نامید .
۳ ـ نیاسا (Nyasa) یا نت خاتمه

احتمال میرود که اصل راگاهای هندی ازمنابع ذیل بدست آمده باشد :
۱ ـ آوازهای محلی طوائف مختلف سرزمین هند .
۲ ـ اشعار هند .
۳ ـ آوازهای مذهبی .
۴ ـ آثار موسیقی‌دانهای باطلاع دانا .

تقسیم‌بندی راگاها خالی ازاشکال نیست زیرا علاوه براین که در شمال و جنوب هند مختلف است اصولا روشهای متعددبرای این‌منظور بکاررفته‌است. اکنون بشرح مهمترین آنها میپردازیم .

روش کارناتیك ـ درین طریقه تمام راگاهای مختلف‌را نخست بدودسته طبقه بندی میکنند :

دستهٔ اول یا Janaka ragas و دستهٔ دوم یا Janya ragas (۱)

دستهٔ اول ۷۲ قسم مختلف است که بوسیلهٔ تغییراتی که به نت‌های گام وارد میشود بوجودمیآیند و بدوکلاس ۳۶ تائی تقسیم‌میشوند که درسی‌وشش‌تای اولی‌درجهٔ چهارم بحالت طبیعی است ودرسی‌وشش‌تای دومی این‌درجه تغییر میکند .

ازانواع مهم دسته اول چندگام‌را نام میبریم :
۱ ـ کاناکانجی که عجیب بنظر میآید ومیگویند درقرن ۱۶ میلادی متداول

---

(۱) دسته اول ، ملاکارتاس (Melakartas) که بمعنی خدای لحن (Lord of Melody) است نیز نامیده میشود .

بوده و اکنون معمول نمی‌باشد.

۲ ـ معمولترین راگا که اکنون درجنوب بکارمیرود Mayamalavagaula نام دارد که در شمال هند « بهروی » (Bhairava) نامیده میشود و گام چهارگاه ایرانست که بدون فاصله‌های ایرانی درروی پیانو باکوک معمولی نواخته‌میشود .
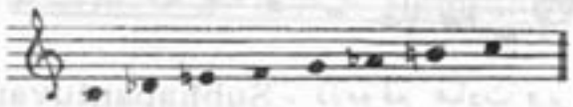
۳ ـ هانوماتودی (Hanumatodi) که میگویند درصبحگاهان خواندنش مطلوب است، (درشمال هند Bhairavi گفته میشود .)

٤ ـ چاکراواکام (Ghakravakam) ـ آهنگ عشق است وهمه وقت میتوان خواند .

٥ ـ Nadabhairavi که حزن‌انگیز است و شامگاهان مطلوب بنظر میرسد.
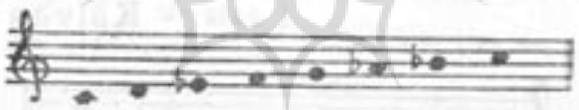
درحقیقت گام « ایپودورین » یونان قدیم یاگام کوچك نغمگی بالارونده است .

٦ ـ (Kharaharapriya) که معرف تهییجات نفسانیست مانند خشم، شهوت، رشك وغیره وخواندنش درروز مناسب است .

گام «درین»است. این‌راگا درشمال هند بنام «کافی» خوانده میشود.

۷ ـ (Harikambodhi) حالت التماس و حمدوستایش دارد و هنگام شب خوانده میشود (درشمال هند جین‌جوتی نام دارد)

۸ - Sankarabharana - حالتی آرام دارد وصبح وشب خوانده‌میشود درشمال هند بیلاول (Bilaval) گفته میشود .

۹ - Chalanata - جسور و بی‌باك و گستاخ است و شب خوانده میشود .

۱۰ - Subhapantuvarali - درموقع عبادت وپرستش بکار میرود و خواندنش هنگام شب مناسب است .

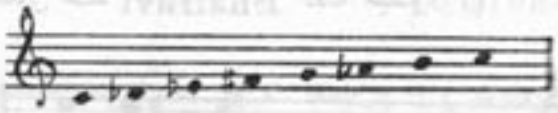

راگ فوق‌را درشمال هند «تدی» (Todi) مینامند .

۱۱ - Gamanapriya معروف‌تهییجات‌نفسانی‌است ودرشب مناسب‌است. (درشمال هند Marva نام دارد.)

۱۲ - Mechakalyani - دارای وجد ونشاط است ودرشب بکار میرود (درشمال هندکلیان Kalyan نام دارد)
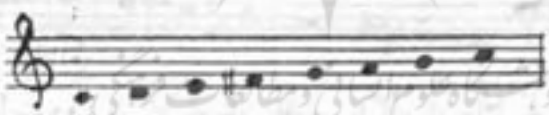
این‌بود چند نمونه ازراگاهای دسته اول . راگاهای دسته دوم ازتغییراتی که بدسته اول وارد میشود بوجود میآید واکنون درحدود ۴۰۰ نوع‌ازاین راگا- های دسته دوم درجنوب هند بکار میرود وحتی‌بعضی تعدادآنرا به ۸۰۰رسانیده‌اند ولی برخی ازآنها نادرند . دررا گاهای دسته دوم پنج یاشش نت ازراگاهای‌دسته اول بکار میرود ودرحقیقت‌گامهای پنج نتی و شش نتی هستند و بدو طریق بدست میآیند :

اولا - باحذف بعضی نت‌ها دربالا رفتن وپائین آمدن‌که اینك چند نمونه ازآنهارا ذکر مینماید :

۱ - بهوپالا (Bhupala) که از راگای هانوماتودی (شماره۳۰) گرفته شده است .

۲ - Mohana که ازراگای هاری کامبودی (شماره۷) گرفته شده است .
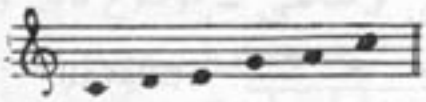
۳ - Hamsadhvani که از راگای سانکاراب هارانا (شماره۸) گرفته شده است .

ثانیاً ـ طریقه دوم بدست آوردن راگاهای دسته دوم اینست که تمام نت‌های راگای اصلی درآن بکار میرود ولی بعضی نت‌ها باشکال مختلف جلوه میکند یاوقتی گام بالا میرود باموقعی که پائین میآید تفاوت مینماید مانند چند نمونهٔ ذیل

۱ - Punagavarali - که ازراگای هانوماتدی (شماره۳) گرفته شده

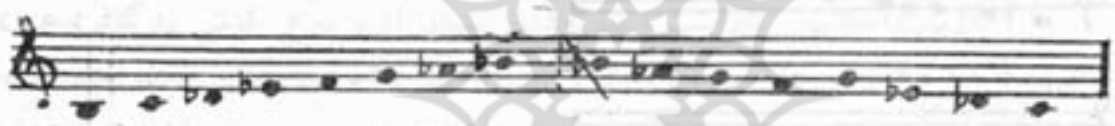

چنانکه ملاحظه میشود بااینکه دررراگای اصلی سی بمل بوده درین‌جا از سی بکار شروع شده بعد بمل شده است ولی درپائین‌آمدن بصورت اصلی است .

۲ - Bilahari - که ازراگای شماره ۸ گرفته شده است و این راگا برای الحان عروسی متداولست

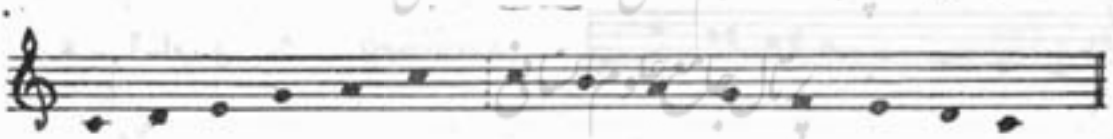

روش هندوستانی ـ یعنی مطابق سبک‌موسیقی‌شمال هند . درین‌طریقه شش راگای اصلی دارند وهریك ازآنها دارای عده‌ای راگینی (Ragini)میباشند (زنهای‌آنها) وبهریك ازآن مردان وزنان عده‌ای راگای دیگر بنام‌پوترا(Putra) متعلقندکه فرزندانشان میباشند . باین ترتیب هریك ازموسیقی‌دانها ، آنها را نوعی طبقه‌بندی کرده‌اندکه ذکر تمام‌آنها مطلب را طولانی میکند ولی در سالهای اخیر موسیقی‌دان معروفی بنام Pandit N . V . Bhatkhande درطبقه‌بندی خودتمام راگاهای مختلف را ضمن ده‌راگای‌اصلی آورده است وطبقه‌بندی او امروزطرفدار

بسیار دارد چنانکه هم اکنون در اغلب آموزشگاههای هند نیز تدریس میشود. نامبرده درین ده راگای اصلی ازفاصله‌های کوچکتر از نیم‌پرده هم صرف نظر کرده است زیرا آنها در ملودیها بصورت تزئین نغمه ها بکار میرود. اینست ده راگای اصلی مطابق طبقه بندی او :

۱ - بلاول (Blaval)
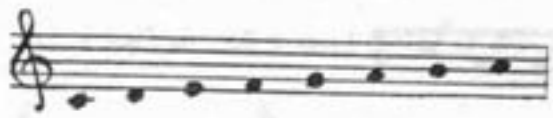
۲ - یمن یا کلیانی

۳ - کماج
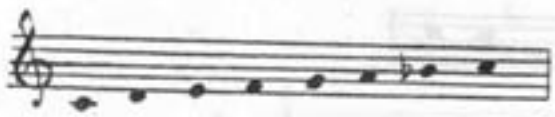
۴ - «Bhairava»
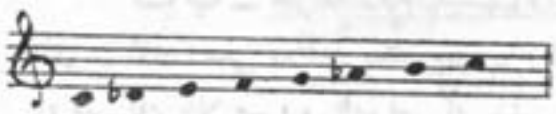
۵ - پوروی (Purvi)

۶ - ماروا (Marva)

۷ - کافی
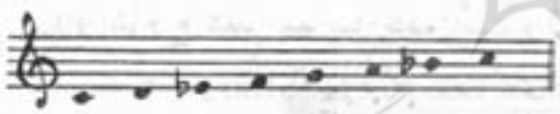
۸ - آساوری (Assavari)
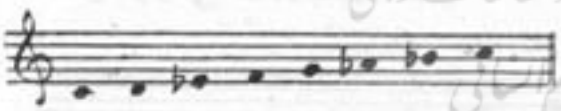
۹ - تودی (Todi)
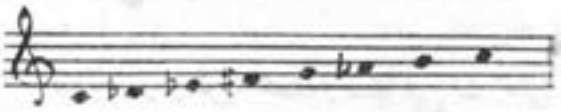
۱۰ - بهیروی (Bhairavi)

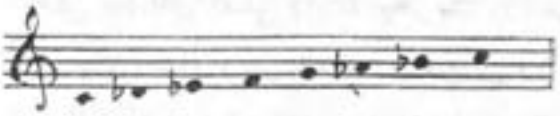

راجع باینکه هرراگا معرف چه‌حالتیست ودر چه مواقعی باید خوانده شود نیز همین‌شخص ۲٤ ساعت شبانه روزرا به‌شش قسمت کرده وبرای هرراگا ساعت‌و موقع خاصی تعیین کرده است. اصولا این موضوع که درموسیقی مشرق زمین سابقه

دارد چنانکه در کتابهای قدیم موسیقی ایران‌هم دیده‌میشود درهند موردبحث‌فراوان واقع شده و برای خواندن راگاها موقع معینی‌را درنظر میگیرند ولی همانطور که درایران هم بوده وبتدریج ازبین رفته است درحال حاضر نیز درهندهم توجه‌دقیقی باین قسمت نمیشود .

رابطهٔ موسیقی ونقاشی ـ موضوع قابل توجه دیگراینکه برای‌راگاـ های مختلف رنگ خاصی قائل شده‌اند وباین وسیله موسیقی ونقاشی ارتباطی پیدا کرده‌اند. چنانکه مثلاگویند واسانتا (نوعی راگاست) آهنگ بهاراست ودر یك تابلوی نقاشی ممکن‌است باین‌طریق نمایش داده شود :

مردی جوان برنك طلائی در یك بیشهٔ درخت انبه ایستاده است . لباسش زردرنك است . گوشهایش باگلهای انبه تزئین شده‌است . چند شاخه‌گل انبه بدست دارد . چشمهایش کـه شبیه نوعی از گل نیلوفر است باطراف نگرانست و برنك طبیعت درطلوع آفتاب بی‌شباهت نیست . زنها عاشق این‌جوانند!

مغ (Megh) نام یکی دیگر ازراگاهاست که نمایندهٔ ابر وفصل بارانست: آسمان ازابر پوشیده شده‌است . برق میزند . پادشاهی جوان بازن زیبایش برفیلی سواراست . لباسش آبی است که برشکوه او بسی افزوده است . بی‌شباهت بیکی ازقوای مقتدر طبیعت یاارباب انواع نمی‌باشد . چشمانش‌بنفش وصوتش موقراست.

ازین داستانها زیاداست ونمونه‌های بسیار ازین‌نوع نقاشی درگالری‌هنری موزهٔ کلکته وهمچنین درلندن (Indian Office) بچشم میخورد . چنین بنظرمیرسد که این هنر ازشمال غربی بهند آمده است . معلوم نیست اصل آن ازکجاست شاید هم ازایران باشد . ولی ازآنجاکه طبیعت مردم‌هند خیال‌اندیش میباشدباغلب‌احتمال این هنر اختراع خودشانست .

(دنباله دارد)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی